



مبانی حریم خصوصی در اسلام و حقوق شهروندی

پدیدآورنده (ها) : رهنما، نسرين؛ مؤمنی، خسرو

حقوق :: نشریه مطالعات حقوق شهروندی :: تابستان ۱۳۹۹ - شماره ۱۵

صفحات : از ۲۸۳ تا ۳۰۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1763060>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۱/۲۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- ظرفیت شهرداری‌ها در توسعه اجرای حقوق شهروندی
- حقوق شهروندی در قرآن کریم و آموزه‌های پیشوایان دین
- حقوق شهروندی و آموزه‌های دینی
- تجسس از منظر فقه حکومتی با رویکرد امنیتی - نظامی
- نقش آموزش شهروندی در ارتقا فرهنگ مردم
- تجسس از منظر فقه امامیه
- مردم آگاه؛ شهروندان مطالبه‌گر
- ماهیت و حکم اخلاقی تجسس
- حریم خصوصی از منظر فقه
- حقوق شهروندی و حقوق اداری
- حریم خصوصی شهروندان با تاکید بر فرمان هشت ماده ای امام خمینی (ره)
- حقوق شهروندی و چگونگی اجرای آن و چالش‌های پیش رو

عناوین مشابه

- مبانی حریم خصوصی در اسلام و حقوق شهروندی
- مبانی و استثنائات حریم خصوصی در اسلام و حقوق ایران از دیدگاه حقوق عمومی
- تبیین نقش مبانی انسان‌شناختی سیاست سکولار در تحقق حقوق شهروندی و مقایسه آن با مبانی اسلام
- مبانی تحلیلی حقوق شهروندی در ایران و اسلام
- درآمدی بر مفهوم، مبانی و انواع حقوق شهروندی در اسلام
- مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا
- حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران
- مقایسه تطبیقی آموزه‌های اخلاقی اسلام و قوانین موضوعه ایران در حمایت از حریم اطلاعات خصوصی و موارد مجاز ورود به آن
- ارائه و تحلیل مدل اخلاقی اسلام در ورود به حریم خصوصی
- حقوق شهروندی در آیینہ قوانین و مقررات حقوق خصوصی

مبانی حریم خصوصی در اسلام و حقوق شهروندی

نسرین رهنما*، خسرو مؤمنی**

چکیده

حقوق شهروندی از طبیعی‌ترین حقوق انسان می‌باشد که خداوند متعال آن را همزاد با او آفریده است. حریم خصوصی یکی از مصادیق حقوق شهروندی می‌باشد که از اهمیت بسزایی برخوردار است. اصطلاح حریم خصوصی در آیات و روایات به کار نرفته است اما روایات متعددی وجود دارد که می‌توان با تبیین آن‌ها، دیدگاه اسلام را در مورد حریم خصوصی استخراج نمود. از این آیات و روایات می‌توان به‌عنوان مبانی حریم خصوصی در اسلام نام برد. مبنای حریم خصوصی در حقوق شهروندی اساساً موادی از قوانین مختلف می‌باشد از جمله: قانون اساسی، آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و... اما اگر دقیق‌تر شویم این مبانی را با مبانی حریم خصوصی در اسلام (قرآن و روایات) هم‌سنخ و هم‌نوع می‌یابیم؛ چراکه قوانین و حقوق ما در پاره‌ای از موارد برگرفته از قرآن و روایات و در برخی دیگر با اندک اختلافی در یک راستا و برای یک هدف گردآمده‌اند.

واژه‌های کلیدی: حقوق شهروندی، حریم خصوصی، امنیت، کرامت، تجسس، سوءظن.

* دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول): (Nasrin.

rahnama63@gmail.com

** استادیار رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه سمنان (Kh. momeni@semnan. ac. ir)

مقدمه

انسان‌ها بنا بر فطرت خود، قلمروهایی را محدوده خصوصی خویش می‌دانند و در آن پناه می‌گیرند. در این پناه گاه امن خصوصی است که زندگی و حیات برای آنان میسر می‌شود و (انسانیت) معنا و مفهوم می‌یابد: شخصیت و آبرو، ناموس، خانه و محل کار و اموال از آن جمله‌اند. ورود خودسرانه و بی ضابطه به این قلعه مقدس در حکم کشتن افراد و فروریختن دیوار انسانیت آنان است.

توجه به حریم خصوصی به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مصادیق حقوق شهروندی، از توجه به شأن و منزلت انسانی و ارزش‌های مبتنی بر انواع آزادی‌ها نشأت گرفته و امروزه به یکی از کانونی‌ترین مباحث در جامعه اطلاعاتی و یکی از مهم‌ترین مسائل حقوق بشر در عصر جدید تبدیل شده است. اگر تابه‌حال این نگرانی منحصر به کشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته بود، با ورود کشورهای در حال توسعه و محروم به دنیای دیجیتال، با یک مشکل جهان‌شمول روبه‌رو خواهیم بود؛ زیرا پژوهش‌های دانشگاهی انجام شده نشان می‌دهند که حریم خصوصی ماهیتاً موضوعی فرا فرهنگی است. آنچه بین فرهنگ‌ها متفاوت است، شکل خاص نگرانی از بابت حریم خصوصی است.

در این مقاله سعی شده است به بررسی مبانی حریم خصوصی در اسلام و حقوق شهروندی پرداخته شود که با جمع‌آوری مطالب به روش کتابخانه‌ای به این مهم نائل آمدیم.

۱- مفاهیم

۱-۱- حریم خصوصی

حریم در کتب لغت و کتب فقهی به معنای منع است. به عبارت دیگر، حریم چه از جنبه اقتصادی و چه از جنبه اخلاقی محدوده‌ای است که نزدیک شدن به آن برای غیر صاحبش ممنوع باشد. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۹) بررسی کتب فقهی حاکی از این امر است که فقها کلمه حریم را درباره جان، مال، آبرو و خانواده و هرآن چه انسان از آن حمایت می‌کند، به‌کاربرده‌اند. (علامه حلی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۲۶۰)

در قانون مدنی، حریم همان اراضی اطراف ملک و قنات است که برای کمال انتفاع

از آن ضرورت دارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۶۵)

ترکیب «حریم خصوصی» اصطلاحی جدید است و علی‌رغم کاربرد فراوان در مباحث حقوقی و سیاسی، تعریف واحدی از آن ارائه نشده است. انصاری، حریم خصوصی را قلمروی از زندگی افراد می‌داند که انتظار می‌رود دیگران، نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی بدان نظارت و دسترسی نداشته باشند و تعرض ننمایند. (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۳۸)

۲-۱- حقوق

در معنای کلمه حقوق تعاریف گوناگونی از جانب فلاسفه و حقوقدانان ارائه شده و به راحتی نمی‌توان به معنای واحدی از این کلمه دسترسی پیدا کرد. دکتر لنگرودی در تعریف اصطلاحی حقوق چنین گفته‌اند: «حق در اصطلاح عبارت است از توانایی که شخص بر چیزی یا بر کسی داشته باشد». (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۶۶۹)

حقوق در اصطلاح یعنی مجموعه قواعد و نظامات و مقرراتی که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم در جامعه وضع گردیده و دارای ضمانت اجرائی کافی و مؤثر باشد که این ضمانت اجرا یا در خود آن مقررات است و یا به وسیله دولت تأمین می‌گردد. (واحدی، ۱۳۷۳، ص ۱۳)

۳-۱- شهروند و شهروندی

شهروند در لغت به اهل یک شهر یا یک کشور گفته می‌شود، به معنای کسی که به شهری بند بوده است و در اثر سپری شدن زمان، (وند) جایگزین (بند) شده است. (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۱۲) «شهروند» به معنای ساکنان شهر می‌باشد که از حقوق و مزایای مدنی متساوی بهره‌مند می‌شوند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۳۱۷)

در تعریف دیگر آمده است «شهروند»، فردی است در رابطه با یک دولت که از سوئی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی را به عهده دارد. (خوئینی، ۱۳۸۶، ص ۱۸) شهروندی، حالت انسانی است که از حقوق و مزایای مدنی متساوی برخوردار است هرچند که در دولت، شهر نباشد، یعنی ساکن کشور بزرگ باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۳۱۷) شهروندی

بیان یک هویت مشترک است و شهروند به همه اعضای جامعه بزرگی اطلاق می‌شود که عنوان یک فرهنگ را به خود می‌گیرد و از این منظر می‌توان عنوان شهروندی را به همه قلمرو و یک تمدن و فرهنگ سوق داد. (غلامی نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۶۵)

۱-۴- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی، حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی، مانند حقوق سیاسی، حق استخدام، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصدق واقع شدن؛ بنابراین واژه مذکور اعم از حقوق سیاسی است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷۳۰) پس می‌توان گفت حقوق شهروندی، زمانی مطرح می‌شود که قرار است حقوق بشر در درون یک جامعه مدنی ذیل یک حکومت خاص در سرزمینی خاص و در مورد مردمی خاص، شکل قانونی و اجرائی به خود بگیرد.

۲- عناصر حریم خصوصی

با توجه به تعاریف مختلف اندیشمندان از واژه «حریم خصوصی»، پنج عنصر برای حریم خصوصی ذکر شده است: خصوصی بودن، آزادی از محدودیت‌های حقوقی، استقلال، عدم دخالت و نظارت دیگران و مخفی یا محرمانه بودن آن.

۲-۱- خصوصی بودن

این عنصر در ذات حریم خصوصی نهفته است؛ چون در غیر این صورت، عمومی خواهد شد. در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و نسبت به اسرار دیگران تجسس نکنید». (حجرات/۱۲)

منظور از این نهی، نهی از ترتیب آثار است. یعنی هر گاه گمان بدی نسبت به مسلمانی در ذهن شما پیدا شد، در عمل کوچکترین اعتنائی به آن نکنید، طرز رفتار خود را دگرگون نسازید و مناسبات خود را با طرف تغییر ندهید.

لذا در روایات دستور داده شده که اعمال برادرت را بر نیکوترین وجه ممکن حمل کن، تا دلیلی بر خلاف آن قائم شود، و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمانان صادر شده گمان بد مبر، مادام که می‌توانی محمل نیکی برای آن بیابی و به این ترتیب گمان بد سر چشمه تجسس و تجسس موجب افشای عیوب و اسرار پنهانی و آگاهی بر این امور سبب غیبت می‌شود که اسلام از معلول و علت همگی نهی کرده است. (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۵۰۴)

۲-۲- آزادی از محدودیت‌های حقوقی

دیگر عنصر حریم خصوصی این است که در آن، انسان از قوانین و محدودیت‌های فقهی و حقوقی آزاد است و می‌تواند بر اساس نوع سلیقه و پسند خویش عمل نماید. البته این به معنای عدم وجود تکلیف فقهی در حریم خصوصی نیست؛ زیرا انسان در همه جا تکلیف دارد؛ اما این تکلیفی که در حریم خصوصی متوجه انسان است، امری است بین او و خدایش و علاوه بر اینکه اثرات وضعی کارهایش در این دنیا دامن‌گیر او خواهد شد، در قیامت نیز آثار تکلیفی آن دامنش را خواهد گرفت؛ اما نکته این است که نمی‌توان فردی را به سبب انجام یا ترک کاری در محیط خصوصی اش مورد بازخواست قرار داد. (اسکندری، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸)

۲-۳- استقلال در تصمیم‌گیری

حریم خصوصی چون محیطی است مربوط به خود شخص، لذا طبیعی است که عواقب کارهایی که در آنجا صورت می‌گیرد، گریبان صاحب آن را خواهد گرفت. بر این اساس، هرگونه تصمیم‌گیری در حریم خصوصی، منحصراً در اختیار خود فرد است و هیچ فرد حقوقی یا حقیقی دیگری نمی‌تواند برای آن تصمیم‌گیری نماید؛ مگر با درخواست فرد صاحب حریم. (همان)

۲-۴- عدم جواز دخالت و نظارت دیگران

چون حریم خصوصی مربوط به شخص است و او خود مستقلاً حق تصمیم‌گیری در مورد آن را دارد، بدیهی است که هیچ فرد حقوقی و یا حقیقی دیگری حق نظارت بر

آن یا دخالت در آن را نخواهد داشت.

خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل شوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوئید. این برای شما بهتر است؛ باشد که پند گیرید و اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل آن شوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید که آن برای شما بهتر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید داناست». (نور/۲۷-۲۸)

۲-۵- مخفی یا محرمانه بودن آن

انسان در حریم خصوصی‌اش آزاد است و می‌تواند به سلیقه شخصی خود زندگی کند و چون حریم خصوصی، محیط راحتی و آسایش انسان است، طبیعتاً این محیط، محرمانه تلقی می‌شود و هر نوع دخالت در آن منوط به کسب مجوز از صاحب آن خواهد بود. (اسکندری، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷-۱۵۹)

در آموزه‌های دینی نیز ردّ پای این عنصر و اهمیت آن در موارد گوناگونی دیده می‌شود. به عنوان مثال، در وصیت‌های لقمان به فرزندش آمده است: «فَإِنْ أَفْتَقَرْتَ يَوْمًا فَاجْعَلْ فِقْرَكَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ وَلَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِفِقْرِكَ فَتَهُونَ عَلَيْهِمْ؛ [ای فرزندم] اگر روزی نیازمند شدی، نیاز خویش را بین خود و خدایت نگهدار و فقر خویش را به کسی خبر نده؛ چون در نظر آنان حقیر خواهی شد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ص ۵۳)

همچنین، در باب مسائل زناشویی به نقل از رسول گرامی اسلام آمده است: «تَعَلَّمُوا مِنَ الْغُرَابِ ثَلَاثَ خِصَالٍ اسْتِتَارَهُ بِالسَّفَادِ وَبُكُورَهُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَحَذَرَهُ؛ سه خصلت را از کلاغ بیاموزید: آمیزش مخفیانه، صبح زود دنبال روزی رفتن و احتیاط آن را». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۸۲)

۳- مصادیق حریم خصوصی در قرآن و سنت

در آیات متعددی از قرآن کریم بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده

است. البته در آیات قرآن از اصطلاح «حریم خصوصی» استفاده نشده است. زیرا موضع اسلام در مواجهه با این موضوع یک موضع «تحویل‌گرایانه» است؛ یعنی از ماهیت و محتوای حریم خصوصی حمایت شده است بدون آنکه نامی از آن برده شود. نکته مهمی که در تفسیر آیات مربوط به حریم خصوصی باید مورد توجه قرار گیرد آن است که این آیات بیشتر در قالب احکام تکلیفی از مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده‌اند نه در قالب احکام وضعی. (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱-۶۶)

برخی از مصادیق حریم خصوصی که در قرآن کریم به رعایت آنها سفارش شده است به شرح ذیل می‌باشند:

۳-۱- ممنوعیت تجسس و تفتیش

ممنوعیت تجسس در امور دیگران در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا». قرآن با صراحت تمام، تجسس را منع نموده و هیچ قید و شرطی برای آن قائل نشده و این نشان می‌دهد که کنجکاوای در کار دیگران و تلاش برای افشای اسرار آن‌ها گناه است و رعایت حریم خصوصی افراد در همه اشکال آن، از عبارت «لا تجسسوا» در این آیه قابل استفاده است. تفاسیر مختلف در ذیل عبارت «لا تجسسوا» با استفاده از برخی روایات موجود در این خصوص از منع و ممنوعیت تتبع و تفحص در عورات (به معنی آنچه آشکار شدن آن موجب شرمساری است) و عثرات (اسرار و رازها) سخن گفته‌اند. انسان چهار سرمایه دارد که همه آن‌ها باید در دژهای این قانون قرار گیرد و محفوظ باشد: جان، مال، ناموس و آبرو.

تعبیرات آیات فوق و روایات اسلامی نشان می‌دهد که آبرو و حیثیت افراد همچون مال و جان آن‌هاست، بلکه از بعضی جهات مهم‌تر است! اسلام می‌خواهد در جامعه اسلامی امنیت کامل حکم فرما باشد نه تنها مردم در عمل و با دست به یکدیگر هجوم نکنند، بلکه از نظر زبان مردم و از آن بالاتر از نظر اندیشه و فکر آنان نیز در امان باشند و هر کس احساس کند که دیگری حتی در منطقه افکار خود تیرهای تهمت را به سوی او نشانه‌گیری نمی‌کند و این امنیتی است در بالاترین سطح که جز در یک جامعه مذهبی و مؤمن به مفهوم کامل آن امکان‌پذیر نیست. (بابایی، ج ۴، ص ۵۰۵)

از پیامبر اکرم (ص) روایات متعددی در خصوص ممنوعیت تجسس و تفتیش نقل شده است. از جمله اینکه:

۱- «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَتَفَاحَشُوا؛ از گمان بپرهیزید؛ چراکه گمان، سخن را در گرداب دروغ می‌افکند، از و کنجکاوی و تفتیش مکنید». (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۲۵۲)

۲- «إِنِّي لَم أَمُرُ أَنْ أَنْقَبَ عَلَى قُلُوبِ النَّاسِ وَلَا أَشُقَّ بَطُونَهُمْ؛ من مأمور نیستم بر دل‌های مردم راه یابم یا باطن آن‌ها را بشکافم». (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۴۸)

۳- «وَمَنْ مَشَى فِي عَيْبِ أَخِيهِ فَكَشَفَ عَوْرَتَهُ كَأَنَّهُ أَوَّلُ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا وَوَضَعَهَا فِي جَهَنَّمَ وَكَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ؛ هرکسی در راه جست‌وجوی عیوب و کشف لغزش‌های برادرش گام نهد، پای در آتش دوزخ گذارده است و خداوند عیوب او را بر همگان آشکار خواهد کرد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۳۶۷)

۲-۳- ممنوعیت سوءظن

در آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) سوءظن ریشه اصلی و مهم‌ترین محرک افراد در تجسس و تفتیش امور خصوصی دیگران است. در آیه ۱۲ سوره حجرات به صراحت به اجتناب از ظنّ سوء امر شده است و از ظن‌ها و گمان‌های بی‌اساس، به‌عنوان گناه یاد شده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا» منظور از این نهی، نهی از ترتیب آثار است؛ یعنی هرگاه گمان بدی نسبت به مسلمانی در ذهن شما پیدا شد، در عمل کوچک‌ترین اعتنایی به آن نکنید، طرز رفتار خود را دگرگون نسازید و مناسبات خود را با طرف تغییر ندهید. لذا در روایات دستور داده شده که اعمال برادرت را بر نیکوترین وجه ممکن حمل کن تا دلیلی برخلاف آن قائم شود و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمان صادر شده گمان بد مبر، مادام که می‌توانی محمل نیکی برای آن بیابی. (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۵۰۴)

مراد از ظنی که در این آیه مسلمین مأمور به اجتناب از آن شده‌اند، ظن سوء است، و گر نه ظن خیر که بسیار خوب است، و به آن سفارش هم شده، هم چنان که از آیه «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنفُسِهِمْ خَيْرًا» (نور/۱۲) هم استفاده می‌شود و مراد از "اجتناب از ظن" اجتناب از خود ظن نیست، چون ظن، خود نوعی ادراک

نفسانی است، و در دل باز است، ناگهان ظنی در آن وارد می‌شود و آدمی نمی‌تواند برای نفس و دل خود دری بسازد، تا از ورود ظن بد جلوگیری کند، پس نهی کردن از خود ظن صحیح نیست. بله، مگر آنکه از پاره‌ای مقدمات اختیاری آن نهی کند. پس منظور آیه مورد بحث نهی از پذیرفتن ظن بد است، می‌خواهد بفرماید: اگر در باره کسی ظن بدی به دلت وارد شد آن را نپذیر و به آن ترتیب اثر مده. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۲۳)

در روایتی از حضرت امیر (ع) روایت شده است: «أَطْرَحُوا سُوءَ الظَّنِّ بَيْنَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ نَهَى عَنْ ذَلِكَ؛ از سوء ظن بین خود دوری ورزید که همانا خداوند از آن نهی کرده است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۱۹۴)

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ مِنَ الْمُسْلِمِ دَمَهُ وَ مَالَهُ وَ أَنْ يَظُنَّ بِهِ ظَنًّا سَوْئًا؛ همانا خداوند متعال، جان و مال را محترم ساخته و از سوء ظن به او منع کرده است». (همان، ج ۷۲، ص ۲۰۱)

۳-۳- ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان

در آیات قرآن، ورود به منازل اشخاص بدون کسب اجازه ممنوع است. آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور بر این موضوع تأکید دارند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید در غیر از منزل خودتان بدون اجازه سلام کردن بر صاحب منزل وارد نشوید و اگر کسی در منزل نبود وارد مشوید تا به شما اجازه ورود بدهند و اگر به شما گفته شد که برگردید، پس برگردید که این برای شما سزاوارتر است».

لازم است وقت داخل شدن به خانه‌های دیگران اجازه خواست و سلام کرد. این عمل سبب می‌شود که مردم به یکدیگر اطمینان پیدا کنند، حریم‌ها محفوظ گردد و آنچه مردم خوش دارند کسی از آن آگاه نگردد هم چنان از دیگران پوشیده بماند. نتیجه این وضعیت، ظاهر شدن خوب‌ها و مستور ماندن ناشایستگی هاست. از همین روست که خداوند در قرآن کریم فرموده: ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ. این آیه دستور می‌دهد که اگر دیدید

کسی در خانه نیست داخل نشوید و آن قدر صبر کنید تا صاحب خانه حاضر شود و اجازه دهد و احیاناً اگر عذر خواست که فعلاً نمی‌توانم شما را بپذیرم، قبول کنید و برگردید. این قبول کردن و برگشتن برای شما پاک‌تر است، زیرا اگر چنین نباشد، صاحب خانه مجبور می‌شود که دروغ جعل کند یا مثلاً به پسرش بگوید، بگو پدرم در خانه نیست، وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ... حاکی از آن است که عدم قبول عذر و جعل دروغ دو گناه است. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۲۰۹)

حکم پیامبر اکرم (ص) در قضیه سمره بن جندب از مهم‌ترین نمونه‌های تاریخی است که بر ممنوعیت ورود بدون اذن به خانه‌های مردم دلالت دارد. سمره بن جندب در خانه یکی از انصار یک نخل داشت که برای سرکشی به آن، بدون اذن صاحب خانه وارد منزل می‌شد. مرد انصاری پس از چند بار اعتراض به این امر، شکایت را نزد پیامبر اسلام برد. پیامبر از سمره خواست که بدون اذن وارد منزل انصاری نشود، ولی وی قبول نکرد. پیامبر از وی خواست که از نخلش در منزل انصاری صرف نظر کند و نخل دیگری، حتی چند نخل دیگر به جای آن دریافت کند، ولی سمره نپذیرفت. پیامبر به او گفت که اگر از نخل در این دنیا بگذرد به جای آن در آخرت نخل‌های دیگری به وی خواهد داد، ولی باز هم قبول نکرد. سرانجام پیامبر برای جلوگیری از ورود بدون اذن و اجازه به منزل انصاری فرمودند که «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» لذا به مرد انصاری اعلام کردند که «برو و درخت را بکن و در مقابل سمره بینداز». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۹۲)

۳-۴- ممنوعیت خیانت در امانت

یکی از لوازم زندگی جمعی و اجتماعی که انسان‌ها به‌طور روزمره با آن سروکار دارند، مسئله امانت و امانت‌داری است. امانت هم شامل امور مادی و هم امور معنوی همچون سرّی از زندگی مردم می‌شود و از مصادیق حریم خصوصی فرد بوده و حفظ آن احترام به حریم خصوصی افراد است.

در قرآن درباره امانت‌داری آمده است: «فَإِنْ مِنْكُمْ بَعْضٌ فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ؛ اگر بعضی از شما نسبت به بعضی دیگر اطمینان داشته باشد (می‌تواند بدون نوشتن سند و رهن با او معامله کند و امانت خویش را به او بسپارد) در

این صورت کسی که امین شمرده شده است باید امانت (و بدهی خود را به موقع) بپردازد و از خدایی که پروردگار او است به پرهیزد. (بقره/۲۸۳) «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها بدهید». (نساء/۵۸) «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ آن‌ها کسانی هستند که امانت‌ها و عهد خود را مراعات می‌کنند». (مومنون و معارج/۸)

روشن است امانت معنی وسیعی دارد و هرگونه سرمایه مادی و معنوی را شامل می‌شود و هر مسلمانی طبق صریح این آیه وظیفه دارد که در هیچ امانتی نسبت به هیچ کس (بدون استثناء) خیانت نکند، خواه صاحب امانت، مسلمان باشد یا غیرمسلمان و این درواقع یکی از مواد "اعلامیه حقوق بشر در اسلام" است که تمام انسان‌ها در برابر آن یکسان‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۳۰)

پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَىٰ مَنْ أَيْتَمَنَكَ وَلَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ؛ اگر کسی تو را امین دانست و امانتی به تو سپرد آن را به او برگردان و اگر کسی به تو خیانت و دغل‌کاری کرد تو به او خیانت مکن». (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۷۵)

همچنین در روایت دیگری آمده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ يَحْقِرُ الْأَمَانَةَ حَتَّىٰ يَسْتَهْلِكَهَا إِذَا اسْتَوْدَعَهَا؛ کسی که امانتی را که در دست او است اهمیت ندهد و سهل‌انگاری کند تا از دست برود، پیرو ما نیست». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۱۷۲)

۳-۵- ممنوعیت اشاعه فحشا

خداوند متعال در آیه ۱۹ سوره نور فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ کسانی که پخش کردن و شهرت دادن کار بد در میان مؤمنان را دوست دارند در این دنیا و سرای دیگر برای آنان عذابی دردناک می‌باشد». منظور از اشاعه فحشا در متن آیه همانا «افشاگری عیوب و اسرار مردم و غیبت کردن» آنان است؛ زیرا غیبت دیگران و بیان اسرار و عیوب و گناهان و لغزش‌های افراد برای دیگران، عین انتشار و اشاعه فحشا است.

از آنجا که انسان یک موجود اجتماعی است، جامعه بزرگی که در آن زندگی می‌کند از یک نظر همچون خانه او است، و حریم آن همچون حریم خانه او محسوب می‌شود،

پاکی جامعه به پاکی او کمک می‌کند و آلودگی آن به آلودگیش. اگر می‌بینیم در آیات فوق موضوع اشاعه فحشاء با لحنی بسیار شدید و فوق‌العاده کوبنده محکوم شده نیز دلیلش همین است.

اصولاً گناه همانند آتش است، هنگامی که در نقطه‌ای از جامعه این آتش روشن شود باید سعی و تلاش کرد که آتش خاموش یا حد اقل محاصره گردد، اما اگر به آتش دامن زنیم و آن را از نقطه‌ای به نقطه دیگر ببریم، حریق همه جا را فرا خواهد گرفت و کسی قادر بر کنترل آن نخواهد بود. از این گذشته عظمت گناه در نظر عامه مردم و حفظ ظاهر جامعه از آلودگیها خود سد بزرگی در برابر فساد است، اشاعه فحشاء و نشر گناه و تجاهر به فسق این سد را می‌شکند، گناه را کوچک می‌کند و آلودگی به آن را ساده می‌نماید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۰۶)

کلینی در اصول کافی از ابن ابی عمیر، از برخی اصحاب امام صادق (ع) از آن حضرت نقل کرده که فرمود: «مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْهُ عَيْنَاهُ وَ سَمِعَتْهُ أُذُنَاهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - إِنَّ الَّذِينَ يَجْبُونَ أَنْ تَشِيحَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ؛ اگر کسی خطاها، لغزش‌ها و گناهانی را که از مؤمنی با دو چشمان خود دیده و با دو گوش خود شنیده است را برای دیگران بازگو کند، او از مصدق آیه شریفه خواهد بود که می‌فرماید: آنان که نقل و پخش کردن کار بد در میان مؤمنان را دوست دارند، در آخرت برایشان عذابی دردناک وجود دارد». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۷)

۴- مبانی حریم خصوصی در اسلام

۴-۱- آزادی

آزادی یکی از آرمان‌های بشری به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که غالباً یکی از اهداف نهضت‌های اجتماعی و انقلاب‌های سیاسی بوده است؛ اما آزادی پیش از آنکه یک پدیده اجتماعی و سیاسی و قراردادی بین ملت و دولت باشد، پدیده‌ای فطری و انسانی است. به عبارت دیگر، آزادی حقی است که خداوند به هر انسانی داده است و نمی‌توان این حق را سلب کرد یا در قراردادهای اجتماعی آن را نادیده انگاشت.

آزادی در لغت به معنای عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی، رهایی و بی‌قیدوبند است (دهخدا، ۱۳۷۲، واژه آزادی). در نگرش سیاسی اسلام، برای تعریف آزادی از

واژه «حریه» استفاده می‌شود که نقطه مقابل عبودیت (غیر خدا) قرار دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶)

در اصطلاح نیز تعابیر مختلفی از آزادی ارائه شده است. آزادی در یک تعریف ساده عبارت است از اینکه شخص اختیار انجام دادن هر کاری را داشته باشد، مشروط بر اینکه به دیگری ضرر نرسد. این شرط، آزادی هر کس را در مقابل دیگری محدود می‌سازد. (مدنی، ۱۳۸۰، ص ۷۶)

مکتب انسان‌ساز اسلام، انسان را موجودی شریف و نمونه می‌داند که خداوند ویژگی‌هایی به او بخشیده است که سایر موجودات از آن محروم‌اند. یکی از این امتیازها، آزادی اراده توأم با مسئولیت است که به موجب آن می‌تواند سرنوشت خویش را رقم زند و نتیجه کار خوب و بد خویش را ببیند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ؛ هر کس به شایستگی عمل کند، به سود خود و هر که بدی کند، به ضرر خویش عمل کرده است. آنگاه به پیشگاه پروردگارتان بازگردانده می‌شوید». (جائیه/۱۵)

آفریدگار جهان با همه سلطه و سیطره‌ای که بر موجودات دارد، انسان را در حدود اختیاراتی که به او بخشیده است، ملزم به انجام کارها نساخته، بلکه به وسیله امر و نهی او را به راه راست هدایت کرده است: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را به او ارائه دادیم، خواه سپاس‌گذار باشد، خواه ناسپاس». (انسان/۳)

یکی از برنامه‌های پیامبر گرامی اسلام (ص) اعمال اصل حریت و آزادگی است و به حکایت قرآن، محدودیت‌های پیشین و غل و زنجیر اسارت‌بار را با دعوت الهی از مردم برداشته و به آنان درس آزادگی آموخته است: «يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛ و از قیدوبندهایی که داشتند، آزادشان می‌سازد.» (اعراف/۱۵۷) افزون بر این، امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در یک عبارت شیرین و جامع فرموده است: «بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است». (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

بنابراین، آنچه از آموزه‌های نجات‌بخش اسلام و اولیای گرامی اسلام درباره آزادی و حریت انسان فهمیده می‌شود، این است که آزادی یعنی نفی اطاعت غیر خدا و بندگی و خضوع در برابر خالق هستی و نظام آفرینش. به تعبیر دیگر، آزادی یعنی رفع و نبودن همه عواملی که مانع تکامل و تعالی انسان و تجلی استعدادها و شخصیت انسان او

می‌باشد. آزادی به مفهوم اسلامی، نخست از درون آغاز می‌شود و تا انسان از قیدوبند اسارت‌های درونی آزاد نشود، از اسارت طاغوت‌ها و عوامل برونی رها نخواهد شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۸)

بنابراین، می‌توان از قانون‌گذار انتظار داشت که با وضع قواعد رفتاری مشخص، ضمن تبیین جایگاه آزادی و حق اولیه شهروندان، در برخورداری از حریم خصوصی، استثنای این حق را مشخص و با پیش‌بینی ضمانت اجرای کیفری و مدنی، راه را بر دشمنان حریم خصوصی سد کند.

۴-۲- امنیت

امنیت انتظار نخست انسان‌ها از حکومت‌هاست که امروزه ابعاد گسترده و متنوعی یافته است. تأثیرپذیری امنیت از اقتصاد، فرهنگ، صنعت، جمعیت و تأثیرگذاری آن بر همه شاخصه‌های توسعه و حیات انسانی، به آن نقش بنیادین داده و همه فیلسوفان سیاسی را به تأمل در آن واداشته است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۷۰)

در مجموع، برای تحقق امنیت، وجود عوامل زیر ضروری است:

الف. اجرا و تعمیم عدالت و قانون به‌طور یکسان و نفی هرگونه تبعیض در جامعه؛
ب. مبارزه مداوم با عوامل تجاوزگر و زمینه‌های تعرض احتمالی و نیروهای فشار و وحشت و مهار کردن عواملی که زمینه تعرض دارند و پیشگیری‌های لازم برای خشکاندن ریشه تعدی و تعرض؛

ج. آشنایی مردم با حقوق افراد و آگاهی لازم به‌منظور احترام به حقوق دیگران؛

د. ضمانت اجرای نیرومند معنوی (ایمان و اخلاق)؛

ه. ضمانت اجرای قانونی برای کیفر دادن متجاوزین به حقوق مردم (همان، ج ۱،

ص ۵۷۱)

منظور از امنیت این است که فرد از هرگونه تعرض و تجاوز مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف، حبس، تبعید، شکنجه و سایر اعمال غیرقانونی و خودسرانه و یا اعمالی که منافی شئون و حیثیت اوست، مثل اسارت، تملک و بهره‌کشی، بردگی، فحشا و غیره مصون و در امان باشد و آن پایه و اساس تمام آزادی‌هاست که با فقدان آن، سایر آزادی‌های فردی، معنا و مفهوم خود را از دست می‌دهد. (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۷۵، ص

در اسلام نیز مقوله امنیت اهت ویژه‌ای دارد؛ به گونه‌ای که قرآن امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت شمرده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ (آن‌چنان) که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت». (نور/۵۵)

افزون بر این، انسان نیازمند امنیت روانی و روحی نیز می‌باشد. با توجه به گسترش روزافزون کاربرد فناوری‌های نوین در زندگی روزمره شهروندان و توسعه جامعه مجازی، روشن است که اشخاص برای ادامه فعالیت‌های روزمره در چنین فضایی، با دغدغه‌ها و نگرانی‌های جدی نسبت به حریم خصوصی اطلاعاتی خود دست‌وپنجه نرم خواهند کرد و چه بسا این نگرانی‌ها به فعالیت‌های روزمره ایشان تأثیر گذاشته و باعث رکود آن شود.

۴-۳- کرامت

قرآن کریم، انسان را موجودی با کرامت معرفی می‌کند که در سایه انسانیت می‌تواند شایسته این کرامت الهی باشد. این کرامت همان جانشینی خداوند در زمین است. همه نژادها، رنگ‌ها، زبان‌ها و استعدادها شایستگی حصول به این مقام بزرگ را دارا هستند و این موهبت الهی و نعمت بزرگ، به صورت یکسان برای همه ابنای بشر در نظر گرفته شده است. (کریمی نیا، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸)

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر نشانندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم». (اسراء/۷۰)

در دین اسلام، دو نوع کرامت برای انسان‌ها در نظر گرفته شده است که عبارت‌اند از:

۱- کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها تا وقتی با اختیار خود با ارتکاب به خیانت و جنایت بر -خویشتن و بر دیگران، آن کرامت را از خود سلب نکنند، این صفت شریف را دارا خواهند بود.

۲- کرامت ارزشی که از بکار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسانی به همین کرامت مربوط می‌شود. (جعفری، ۱۳۷۰، ص ۲۷۹)

حریم خصوصی یا حق خلوت، ارتباطی تنگاتنگ با کرامت و شأن انسانی دارد. آزادی، استقلال، تعیین سرنوشت و نیز تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان در سایه حریم خصوصی و فضایی مناسب برای رشد و تکامل شخصی افراد میسر است. ممنوعیت افشای اطلاعات محرمانه، استراق سمع، بازرسی، زیر کنترل و نفوذ دیگران بودن و نیز مصونیت مسکن به خاطر احترام به آزادی فردی و تکریم شأن انسانی است. احترام به شخصیت و کرامت انسانی و حیثیت او و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و همگانی، هدف اصلی بیشتر قوانین و یکی از جنبه‌های تشکیل جوامع بوده و هست و به همین دلیل در قوانین اساسی، مهم‌ترین بخش قانون را که غالباً جزو اولین اصول است، به حقوق و آزادی‌های فردی اختصاص داده‌اند (رک: بند ششم اصل دوم قانون اساسی) و قوانین عادی نیز ضمانت اجرای این حقوق و آزادی‌ها را مشخص و معین کرده‌اند.

۵- حریم خصوصی در حقوق شهروندی

مواد ۳۶ تا ۴۲ منشور حقوق شهروندی به حریم خصوصی شهروندان اختصاص دارد:

۵-۱- ماده ۳۶

ماده ۳۶ - حق هر شهروند است که حریم خصوصی او محترم شناخته شود. محل سکونت، اماکن و اشیاء خصوصی و وسایل نقلیه شخصی از تفتیش و بازرسی مصون است، مگر به حکم قانون.

مبنای این ماده برمی‌گردد به:

اصل ۲۲ قانون اساسی: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل ۲۵ قانون اساسی: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: اصل، برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سلب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضائی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون لازم تشخیص داده شود.

ماده ۱۳ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸: در صورتی که درخواست متقاضی به اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده (اسرار دولتی) مربوط باشد مؤسسات عمومی باید از در اختیار قرار دادن آن‌ها امتناع کنند. دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده تابع قوانین و مقررات خاص خود خواهد بود.

ماده ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸: چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود.

ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف مصوب ۱۳۹۴: در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

بند ۱ سیاست‌های کلی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات مصوب ۱۳۸۹: ایجاد نظام جامع و فراگیر در سطح ملی و سازوکار مناسب برای امن‌سازی

ساختارهای حیاتی و حساس و مهم در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و ارتقاء مداوم امنیت شبکه‌های الکترونیکی و سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی در کشور به‌منظور:

- استمرار خدمات عمومی.
- پایداری زیرساخت‌های ملی.
- صیانت از اسرار کشور.
- حفظ فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی و ارزش‌های اخلاقی.
- حراست از حریم خصوصی و آزادی‌های مشروع و سرمایه‌های مادی و معنوی.

۵-۲- ماده ۳۷

ماده ۳۷ - تفتیش، گردآوری، پردازش، به‌کارگیری و افشای نامه‌ها اعم از الکترونیکی و غیر الکترونیکی، اطلاعات و داده‌های شخصی و نیز سایر مراسلات پستی و ارتباطات از راه دور نظیر ارتباطات تلفنی، نمابر، بی‌سیم و ارتباطات اینترنتی خصوصی و مانند این‌ها ممنوع است مگر به‌موجب قانون.

مبنای این ماده برمی‌گردد به:

الف- اصل ۲۵ قانون اساسی.

ب- ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

ج- مواد ۱۳ و ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸.

د- بند ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳: بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.

۵-۳- ماده ۳۸

ماده ۳۸ - گردآوری و انتشار اطلاعات خصوصی شهروندان جز با رضایت آگاهانه یا

مبانی حریم خصوصی در اسلام و حقوق شهروندی ■ ۳۰۱

به حکم قانون ممنوع است.

مبنای این ماده:

الف- اصل ۲۵ قانون اساسی.

ب- ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

ج- مواد ۱۳ و ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸.

۵-۴- ماده ۳۹

ماده ۳۹ - حق شهروندان است که از اطلاعات شخصی آنها که نزد دستگاه‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی است، حفاظت و حراست شود. در اختیار قرار دادن و افشای اطلاعات شخصی افراد ممنوع است و در صورت لزوم به درخواست نهادهای قضایی و اداری صالح منحصرأ در اختیار آنها قرار می‌گیرد. هیچ مقام و مسئولی حق ندارد بدون مجوز صریح قانونی، اطلاعات شخصی افراد را در اختیار دیگری قرار داده یا آنها را افشا کند.

مبنای این ماده:

الف- اصل ۲۵ قانون اساسی.

ب- مواد ۱۳ و ۱۴ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸.

۵-۵- ماده ۴۰

ماده ۴۰ - هرگونه بازرسی و تفتیش بدنی باید با رعایت قوانین، احترام لازم و با استفاده از روش‌ها و ابزار غیر اهانت‌آمیز و غیر آزاردهنده انجام شود. همچنین آزمایش‌ها و اقدامات پزشکی اجباری بدون مجوز قانونی ممنوع است.

مبنای این ماده:

الف- اصل ۲۵ قانون اساسی. ب- ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب

۱۳۹۲.

۵-۶- ماده ۴۱

ماده ۴۱ - کنترل‌های صوتی و تصویری خلاف قانون در محیط‌های کار، اماکن عمومی، فروشگاه‌ها و سایر محیط‌های ارائه خدمت به عموم، ممنوع است.

مبنای این ماده:

الف- اصل ۲۵ قانون اساسی.

ب- ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب - ۱۳۹۲: افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.

ج- قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن.

د- قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور -سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶.

۷-۵- ماده ۴۲

ماده- ۴۲ حق شهروندان است که حرمت و حریم خصوصی آن‌ها در رسانه‌ها و تریبون‌ها رعایت شود. در صورت نقض حرمت افراد و ایجاد ضرر مادی یا معنوی، مرتکبین طبق مقررات قانونی مسئول و موظف به جبران خسارت می‌باشند.

مبنای این ماده:

الف- اصل ۲۵ قانون اساسی.

ب- ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات): اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

ج- قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور -سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶.

۶- نسبت مبانی حریم خصوصی در اسلام و حقوق شهروندی

بر اساس تصریح اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات حاکم در جمهوری اسلامی باید مطابق با موازین اسلامی باشد. عموم و اطلاق بیان شده در اصل چهارم در مقام بیان قلمرو شمول اسلامی بودن قوانین و مقررات می‌باشد که علاوه بر اصول

مبانی حریم خصوصی در اسلام و حقوق شهروندی ■ ۳۰۳

قانون اساسی، تمامی مقررات، شامل کلیه قوانین مصوب مجلس قبل و بعد از انقلاب، کلیه آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های صادره از هر سه قوه، مصوبات مجامع و کمیسیون‌هایی؛ مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی، آراء وحدت رویه و... را در بر می‌گیرد و مرجع تشخیص انطباق قوانین و مقررات با احکام و موازین اسلامی، فقهای شورای نگهبان قانون اساسی می‌باشند.

مبانی حریم خصوصی در اسلام آیات و روایاتی است که به تعدادی از آنها در بالا اشاره شد. و مبانی حریم خصوصی در حقوق شهروندی نیز به قانون اساسی، آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و... برمی‌گردد که باید مطابق با موازین شرعی باشند. لذا با اندکی تسامح می‌توان گفت که مبانی هر دو یکی می‌باشد.

۷- موارد جواز تعرض به حریم خصوصی در قرآن

با همه اهمیتی که قرآن به حفظ آبرو و حریم خصوصی اشخاص دارد، در مواردی جایز و بلکه لازم است که این حریم شکسته شود و به حریم خصوصی اشخاص وارد شد. در قرآن شماری از موارد جواز بیان شده است. این موارد از نظر کمی بسیار اندک هستند ولی از نظر کیفی بسیار خطرناک برای جامعه و ارزش‌های انسانی است، از این رو با تأکید و نیز سخت‌گیری‌های بی‌شماری همراه است.

۱- یکی از موارد جواز، زنا یا آشکار است که چهار شاهد عادل همزمان با تمام جزئیات، مسئله را بدون کم‌وکاست بیان و گواهی می‌دهند.

این مسئله از دو جهت اهمیت دارد؛ یکی از جهت تحکیم بنیادهای خانه و خانواده و حفظ حریم خانواده و ارزش‌های انسانی و اسلامی و از سوی دیگر به جهت حفظ حرمت اشخاص حتی در بدترین شرایط. از این رو هم در اثبات جرم سخت‌گیری می‌شود و هم در اجرای حکم نسبت به قانون شکنان و متعرضان به حریم خصوصی و خانوادگی اشخاص. قرآن در آیه ۲ و ۴ و ۵ سوره نور به این مسئله توجه می‌دهد.

۲- درباره تجاوز مالی به حریم خصوصی اشخاص و اثبات سرقت و قطع دست دزدان نیز این مسئله به روشنی بیان می‌شود تا حرمت انسانی و نیز حریم خصوصی حفظ شود. (مانده/۳۸) از این رو در اجرای حدود که مستلزم بی‌آبرویی اشخاص است واجب شده که دقت بسیاری در مسئله و عوامل اصلاح جامعه مدنظر قرار گیرد.

۳- همچنین در مواقعی که امنیت و حاکمیت حکومت اسلامی و مصالح کلان جامعه اسلامی در معرض تهدید و خطر و توطئه از سوی افراد و تشکیلات حقیقی و حقوقی قرار گیرد، حفظ اصل نظام اسلامی در برابر خطرات بر هرگونه حریم شخصی و عمومی رجحان می‌یابد و باید برای خنثی شدن این تهدیدها از هر اقدام بازدارنده‌ای فروگذار نکرد.

۸- راهکارهای قرآن برای حفظ حریم خصوصی

قرآن برای حفظ حریم خصوصی و آبروی اشخاص به برخی از مسائل به صورت مصداقی توجه می‌دهد.

۱- آبروداری و عفت پیشه کردن: به‌عنوان نمونه از کسانی یاد می‌کند که دست نیاز به سوی دیگران دراز نمی‌کنند و آبروداری می‌کنند. (بقره / ۲۷۳) به این معنا که انسان به‌طور فطری از اینکه دست نیاز به‌سوی دیگر دراز کند ناخشنود و ناراضی است، از این‌رو کسانی که عفت را پیشه خود می‌کنند و آبروداری می‌کنند مورد تشویق قرار گرفته‌اند. در مقابل، به توانگران دستور می‌دهد که به وظیفه خود عمل کنند و دستگیر نیازمندان باشند تا حریم خصوصی افراد حفظ شود و آبروی نیازمند به جهت فقر اقتصادی مورد تعرض قرار نگیرد و ارزش و شرافت و کرامت آدمی پایمال نشود از این‌رو صدقه پنهانی (بقره / ۲۷۱) و منت نگذاشتن در هنگام صدقه دادن (بقره / ۲۶۲ و ۲۶۴) مورد تشویق قرار گرفته است.

۲- پرهیز از هتاکی و فحاشی: بی‌گمان هتک آبروی اشخاص و اتهام و نسبت دادن امور زشت و ناپسند به دیگران یکی از زشت‌ترین رفتارهای انسانی است و مردم به‌طور فطری آن را ناپسند می‌دارند. قرآن افراد را از نسبت دادن فحشا به همدیگر برحذر می‌دارد. از آنجایی که هتک حرمت و بی‌آبرو کردن اشخاص، از متهم کردن آنان به امور زشت و فحشا، شدیدتر و پیامدهای ناگوارتری در زندگی خانوادگی و اجتماعی آنان در پی دارد، حفظ آبرو به شکل قانون درآمده و برای متهم کردن دیگران، مجازات سختی در دنیا و آخرت پیش‌بینی شده است که هشتاد تازیانه برای اهل قذف از نمونه‌های این احکام تشدید است. (نور / ۴ و ۲۳؛ احزاب / ۵۸)

۳- عیب‌جویی نکردن: در آیه ۱۴۸ سوره نساء از بیان بدی‌های دیگران بازداشته

است تا ضمن حفظ حرمت و کرامت و شرافت آدمی از دامن زدن به فحشا و منکر جلوگیری کند. در آیه ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات نیز از تمسخر، عیب‌جویی و یادکرد به لقب‌های زشت و زنده نهی کرده و غیبت را عاملی برای ریختن آبروی اشخاص دانسته است. همچنین از تجسس در اسرار دیگران که می‌تواند موجبات بی‌آبرویی و کشف اسرار ایشان باشد بر حذر داشته و از هرگونه گمان بد در حق دیگری بازداشته است. بهتان زدن و نسبت کار زشت خود به دیگری نیز از مصادیق هتک حرمت اشخاص و بی‌آبرو کردن شمرده شده و از آن نهی گردیده است. (نساء/ ۱۱۲)

۴- حفظ کرامت: برای حفظ شرافت آدمی و کرامت انسانی، اعاده حیثیت را جایز می‌شمارد و در بیان داستان یوسف از تلاش وی در زندان برای اعاده حیثیت یاد می‌کند و اینکه آن حضرت چنان برای آبروی خویش ارزش قائل بوده است که حاضر نمی‌شود عفو و بخشش شاه را بپذیرد و پیش از اعاده حیثیت از زندان بیرون آید، از این رو شاه، مجلسی ترتیب می‌دهد و پس از اعاده حیثیت و بازگشت آبروی ازدست‌رفته، آن حضرت حاضر می‌شود تا از زندان بیرون آید. (یوسف/ ۵۰ و ۵۱)

از مجموعه آیات قرآن این معنا به دست می‌آید که حفظ حرمت آبروی اشخاص نه تنها وظیفه خود شخص بلکه جامعه و نیز دولت است؛ بنابراین هیچ شخص حقیقی و یا حقوقی و یا نهادهای دولتی نمی‌توانند متعرض حریم خصوصی افراد شوند و به جان و مال و آبروی اشخاص آسیب برسانند. دولت به عنوان نهاد حافظ منافع اشخاص و جامعه می‌بایست در این حوزه نه تنها خود وارد نشود و به تجسس و یا کاوش نپردازد بلکه با تشدید قوانین و مجازات برافزایش ضریب امنیتی حوزه خصوصی و حریم شخصی بیفزاید. با توجه به تغییرات در روش‌ها و به‌کارگیری فنون و فن‌آوری‌های نوین در عرصه‌های مختلف، امکان تعرض به حریم خصوصی افزایش یافته است از این رو می‌بایست با یافتن راهکارهای نوین امکان هرگونه تعرض و هتک حرمت حریم خصوصی از اشخاص حقیقی و حقوقی سلب شود.

نتیجه‌گیری

حریم خصوصی یکی از مهم‌ترین حقوق انسانی است که جهت تعالی شخصیت انسان و عرصه‌ای برای بروز عواطف و احساسات او، جزئی از اساسی‌ترین نیازهای بشری است.

حریم خصوصی چهارده قرن پیش مورد توجه اسلام واقع شده و خداوند متعال این نیاز بشر را به طور گسترده و همه‌جانبه مورد توجه قرار داده است. آیات و روایات و دیدگاه‌های فقهای شیعه مبین این امر است. حریم خصوصی یکی از مصادیق مصوب در منشور حقوق شهروندی است که مبنای آن قوانین جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و این قوانین با توجه به اصل چهارم قانون اساسی باید مطابق با موازین شرعی اسلام وضع و از نظر شورای نگهبان بگذرند و همچنین با توجه به اینکه مبنای حریم خصوصی در اسلام آیات و روایات است می‌توان گفت که مبنای حریم خصوصی در اسلام و حقوق شهروندی یکسان است.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳) من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. اسکندری، مصطفی (۱۳۸۹) ماهیت و اهمیت حریم خصوصی، حکومت اسلامی، شماره ۵۸، ص ۱۴۷-۱۷۶
۳. انصاری، باقر (۱۳۸۶) حقوق حریم خصوصی، تهران، انتشارات سمت.
۴. _____ (۱۳۸۳) حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام تطبیقی و ایران، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶، صفحات ۱-۶۶.
۵. بابایی، احمدعلی (۱۳۸۲) برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۶. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲) نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش.
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۸. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰) تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵) فلسفه حقوق بشر، قم، اسراء.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف (علامه) (۱۳۸۷) منتهی المطلب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۱. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳) قرب الاسناد، قم، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۱۲. خوئینی، غفور (۱۳۸۶) توسعه پایدار و حقوق شهروندی، تهران، معاونت آموزشی دادگستری.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲) لغت‌نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷) المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۵) آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران.
۱۶. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵) مجمع‌البحرین، تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۷. عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۸۵) فقه سیاسی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۸. غلامی‌نیا، عبدالحمید (۱۳۸۷) تأثیر انسان‌شناسی بر اخلاق شهروندی، مجله دین و سیاست تهران، ص ۱۶۵.
۱۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳۰۸ ■ فصلنامه مطالعات حقوق شهروندی - شماره ۱۵

۲۰. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸.
۲۱. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
۲۲. قانون حمایت از آمران به معروف مصوب ۱۳۹۴.
۲۳. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات).
۲۴. قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن.
۲۵. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند مصوب ۱۳۸۶.
۲۶. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷) تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیادبعثت.
۲۷. کریمی نیا، محمدمهدی (۱۳۸۳) همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷) کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳) بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۰) حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پایدار.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. واحدی، قدرت الله (۱۳۷۳) مقدمه علم حقوق، تهران، ناشر مؤلف.